

روی کرد حقوق بشری به نیازهای اشخاص کم‌توان

(در پرتو کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص کم‌توان ۲۰۰۶)

دکتر حسین آقایی جنت‌مکان*

چکیده

هدف این مقاله مطالعه‌ی حقوق بشر اشخاص کم‌توان در پرتو کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص کم‌توان و سنجش آن در اسناد ملی است. در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶، مجمع عمومی سازمان ملل متحد کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص کم‌توان و پروتکل اختیاری آن را تصویب کرد. انعقاد این کنوانسیون، نقطه‌ی عطف مهمی در بازشناسی نیازها و نگرانی‌های اشخاص کم‌توان بر اساس موازین حقوق بشر می‌باشد. کنوانسیون مربوط به حقوق کم‌توانان، به پرشمارترین اقلیت جهان اجازه می‌دهد تا حقوق خود را مطالبه نمایند و بر اساس فرصت‌های برابر با سایرین در فعالیت‌های ملی و بین‌المللی که مورد حمایت و شناسایی معاهدات خاص قرار گرفته‌اند، مشارکت نمایند. این جستار، به رویکردهای مختلف در خصوص نگرش به نیازهای اشخاص کم‌توان در جامعه و نیز زمینه‌های فکری تصویب کنوانسیون و تلاش‌ها و فعالیت‌هایی که در سال‌های گذشته در حقوق بین‌الملل برای احیای حقوق اشخاص کم‌توان به مثابه حقوق بشر صورت گرفته، می‌پردازد. سپس متن کنوانسیون مورد ارزیابی و مطالعه قرار می‌گیرد و با نگرش نقادانه، کمک‌های احتمالی معاهده‌ی مزبور را برای واقعیت بخشیدن به حقوق افراد کم‌توان مورد بررسی قرار می‌دهد.

* عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه چمران اهواز.

از مطالعه‌ی کنوانسیون و پروتکل اختیاری آن نتیجه می‌شود که حقوق بشر از مرحله‌ی «شناسایی و ظهور حق» در قرن بیستم به دوران «اجرایی شدن» در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم وارد شده است.

کلید واژگان

حقوق بشر، اشخاص کم‌توان، روی کرد، کنوانسیون، پروتکل الحاقی.

مقدمه

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶، کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص کم توان^۱ (CRPD)^۲ و پروتکل اختیاری^۳ آن را تصویب کرد. این کنوانسیون، اولین معاهده در زمینه‌ی حقوق بشر است^۴ که در قرن بیست و یکم از سوی سازمان ملل متحد پذیرفته شده و مذاکرات مربوط به تصویب آن با سرعت انجام گرفته است^۵ شوق فراوان جامعه‌ی بین‌المللی در پذیرش کنوانسیون مزبور بی سابقه بوده است. در

۱. شایان ذکر است که کنوانسیون به پیروی از روش‌های نوین علمی از واژه‌ی «Disability» به معنای کم توانی برای نام‌گذاری اشخاص مورد نظر استفاده کرده است. قبلاً از اصطلاح «Handicap» برابر نهاد-ی معلول استفاده می‌شد که به نظر می‌رسد اصطلاح «Disability» به معنای کم توانی بر اصطلاح معلول و ناتوان ترجیح دارد. بنابراین، در این نوشتار از اصطلاح کم توانی استفاده می‌شود هرچند در ادبیات حقوقی و اجتماعی ایران مصطلح نیست. البته دیگران نیز از این نام‌گذاری حمایت کرده و آن را به کار گرفته‌اند.

2. The Convention on the Rights of Persons with Disabilities (CRPD).

کنوانسیون حقوق اشخاص کم توان و پروتکل اختیاری آن در شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی پذیرفته شد. رک.

GA Res.61/611, 13 December 2006, A/61/611.

3. CRPD Optional Protocol.

۴. علاوه بر این کنوانسیون، در سال ۲۰۰۶ میلادی کنوانسیون دیگری در خصوص حمایت از کلیه اشخاص در قبال ناپدیدسازی اجباری به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است. برای مطالعه‌ی بیش‌تر در این خصوص رک. آقایی جنت مکان، حسین، «ناپدیدسازی اجباری اشخاص؛ به مثابه جنایت علیه بشریت با نگاهی به کنوانسیون حمایت از کلیه‌ی اشخاص در مقابل ناپدیدسازی اجباری»، ویژه‌نامه‌ی انجمن ایرانی حقوق جزا، زیر چاپ.

۵. رک. گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در خصوص کنوانسیون حقوق اشخاص کم توان و پروتکل الحاقی آن مورخ ۱۴ اوت ۲۰۰۷. قابل دسترسی در نشانی زیر:

A/62/230, at para. 4, <http://www.ohchr.org/english/issues/disability/docs/A.62.230.en.doc>.



مراسم آغازین امضای این کنوانسیون در ۳۰ مارس ۲۰۰۷ (برابر با ۱۰ فروردین ۱۳۸۶ خورشیدی)، هشتاد و یک کشور و از جمله اتحادیه‌ی اروپا^۶ این کنوانسیون را امضا کردند - بالاترین تعداد امضاکنندگان در مراسم آغازین که تاکنون در مورد هیچ معاهده‌ای سابقه نداشته است. از این تعداد، چهل و چهار کشور نیز پروتکل اختیاری را امضا کردند.^۷ همین‌طور، تا پایان سال ۲۰۰۸ میلادی یکصد و سی و هفت کشور کنوانسیون را امضا و از این تعداد، چهل و چهار کشور آن را به تصویب رسانده‌اند. هم‌چنین، هشتاد و یک کشور پروتکل اختیاری را امضا و از این تعداد، بیست و شش کشور آن را تصویب کرده‌اند.^۸

براساس ماده‌ی ۴۵، کنوانسیون مزبور سی روز بعد از تودیع بیستمین سند تصویب کنوانسیون به دبیرکل لازم‌الاجرا خواهد شد و براساس ماده‌ی ۱۳، پروتکل اختیاری آن

Press Release, Record number of countries sign UN treaty on disabilities on opening day, 30 march 2007, <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=22085&Cr=disab & Cr1=>.

۶. کنوانسیون حقوق اشخاص کم‌توان و پروتکل الحاقی آن اولین اسناد حقوق بشری هستند که از سوی اتحادیه‌ی اروپا امضا شده‌اند. به موجب ماده‌ی ۴۴ کنوانسیون و ماده‌ی ۱۲ پروتکل الحاقی آن، اتحادیه‌ی اروپا می‌تواند به نمایندگی از اعضای خود در رابطه با معاهدات تا حدود صلاحیتش اقدام نماید. این کار باید به موجب اعلامیه‌ی رسمی که نزد دبیرکل تودیع می‌گردد، صورت گیرد.

۷. رک. گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد درخصوص کنوانسیون، پاورقی شماره‌ی ۴.

۸. برای اطلاع از آخرین تعداد کشورهایی که به کنوانسیون و پروتکل اختیاری آن پیوسته‌اند رک.

<http://www.un.org/disabilities/countries.asp?navid=12&pid=166>

مجلس شورای اسلامی ایران نیز در تاریخ ۱۳ آذرماه ۱۳۸۷ اجازه‌ی الحاق دولت ایران به کنوانسیون مربوط به حقوق بشر اشخاص کم‌توان را تصویب کرد. در پی آن، دولت ایران در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۹ برابر با ۱ آبان ماه ۱۳۸۸ به این کنوانسیون پیوست.

9. Article 45, CRPD and Article 13, CRPD Optional Protocol.

این کنوانسیون از ۳ می ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شده است و تاکنون (۱۷ بهمن ماه ۱۳۸۹) تعداد یکصد و چهل و هفت کشور امضا و نود و هشت کشور آن را تصویب کرده‌اند.

سی روز بعد از تودیع دهمین سند به دبیر کل لازم الاجرا خواهد شد، البته مشروط بر آن که کنوانسیون پیش تر لازم الاجرا شده باشد.

بی گمان، کنوانسیون حاصل تجربه و کار گروهی جامعه‌ی جهانی درخصوص اشخاص کم توان می باشد و با این وصف یک سند معتبر جهانی به شمار می آید. تصویب این سند به عنوان نخستین معاهده‌ی جهانی در آستانه‌ی هزاره‌ی سوم میلادی اهمیت نمادین آن را به نمایش می گذارد.

مبحث نخست- اهمیت کنوانسیون و مبانی تاریخی و فکری آن

الف- برجستگی نمادین کنوانسیون

قبل از تحلیل محتوای الزامات پیش‌بینی شده در متن این سند بین‌المللی، در اهمیت آن باید گفت که برخی نویسندگان، با بیان اغراق آمیزی تصویب آن را به خروج از ظلمات به سوی نور یا از روشنایی به تاریکی تعبیر کرده‌اند.^{۱۰} برخی نیز انعقاد و تصویب کنوانسیون کنوانسیون مزبور را نقطه‌ی عطف مهمی در تلاش برای بازیابی نیازها و دغدغه‌های اشخاص کم توان بر اساس موازین حقوق بشر می‌دانند.^{۱۱} صاحب نظران در امور کم توانان در ایران نیز از کنوانسیون با تعبیری نظیر مانیفست افراد معلول، قانون مادر، فریاد در گلو، خفه شده‌ی میلیون‌ها معلول، هدیه‌ی آسمانی و... یاد می کنند.^{۱۲} دکتر سید محمد قاری سید

10. Kayess, Rossemary and Phillip, French, «Out of Darkness in to Light? Introduction the Convention on the Right of Persons with Disabilities», Human Rights Law Review, Vol. 8, No. 1, 2008, p. 1.

11. Ibid.,

12. <http://www.idn.ir>.

فاطمی تصویب این سند را نقطه‌ی عطفی در تاریخ تمدن انسانی در گذار از «نگاه ترحم محورانه» به «روی کرد حق مدارانه» می‌داند.^{۱۳}

دبیرکل سازمان ملل متحد نیز ضمن بزرگ و پراهمیت خواندن این کنوانسیون، اظهار داشت: این کنوانسیون پیام‌آور «طلوع دوره‌ی جدیدی است - دوره‌ای که افراد ناتوان در غیر این صورت، باید رویه‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز را که برای مدت‌های طولانی حاکم بود تحمل نمایند».^{۱۴}

رییس اجلاس معلولان در اروپا،^{۱۵} در مراسم افتتاحیه‌ی امضای کنوانسیون با زبان استعاره، تصویب کنوانسیون را نوری که از تاریکی ظاهر می‌شود خواند. «Bertolt Brecht» اظهار داشت:

کسانی هستند که در تاریکی زندگی می‌کنند؛

در حالی که سایر افراد در روشنایی به سر می‌برند؛

ما آن‌هایی را که در نور و روشنایی به سر می‌برند می‌بینیم؛

آن‌هایی که در تاریکی هستند را نمی‌بینیم؛

این کنوانسیون است که آن‌ها را از ظلمات به سوی نور می‌آورد.^{۱۶}

این ادعا بارها از سوی هیئت‌های نمایندگی دولتی و غیردولتی در طول مذاکرات مربوط به کنوانسیون تکرار شد. سفیر مک‌کی^{۱۷}، رییس کمیته‌ی مقدماتی برای تدوین

۱۳. قاری سید فاطمی، محمد، «تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آینه حقوق

بشر معاصر»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره‌ی ۱۳، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۷.

۱۴. رک. بیانیه‌ی دبیرکل سازمان ملل متحد، در پاورقی شماره‌ی ۴.

۱۵. اجلاس بین‌المللی معلولان یک ائتلاف بین‌المللی، منطقه‌ای و سازمانی غیردولتی است. اصولاً سازمان‌های مردمی فعال در امور اشخاص کم‌توان به عنوان ناظر در کمیته‌ی مقدماتی مجمع عمومی برای تدوین کنوانسیون شرکت می‌کنند.

۱۶. نک. اعلامیه‌ی رسمی در نشانی مذکور در پاورقی شماره‌ی ۴.

17. Ambassador MacKay.

کنوانسیون، از کنوانسیون حقوق کم توانان به عنوان تجسم تغییر الگو^{۱۸} از پاسخ رفاهی - اجتماعی به ناتوانی، به الگوی حقوق - محوری^{۱۹} یاد کرد. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز از کنوانسیون به عنوان بازتاب دهنده‌ی این تغییر الگو در رفتارها یاد کرده است. وی اظهار داشت: این کنوانسیون «دیدگاهی که اشخاص کم توان را به عنوان افراد تابع خیرات و صدقات، معالجات پزشکی و حمایت اجتماعی» می‌شناسد رد می‌کند و اشخاص کم توان را به عنوان «تابعان حقوق تصور می‌کند که قادر هستند تا حقوق خود را به عنوان اعضای فعال جامعه مطالبه نمایند».^{۲۰}

مذاکرات مربوط به تصویب کنوانسیون با حضور گسترده‌ی نمایندگان جامعه‌ی مدنی و سازمان‌های فعال در زمینه‌ی حقوق کم توانان انجام شد، به طوری که در هیچ کنوانسیون حقوق بشری چنین مشارکتی سابقه نداشته است.^{۲۱} این کنوانسیون، به پرشمارترین اقلیت جهان^{۲۲} اجازه می‌دهد به طور برابر با سایر اشخاص، در فعالیت‌های ملی و بین‌المللی مشارکت نمایند و حقوق خود را که به موجب معاهدات مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته‌اند، مطالبه نمایند.

18. Paradigm Shift.

19. Rights - based Approach.

۲۰. رک. کنفرانس مطبوعاتی کمیساریای عالی حقوق بشر درخصوص امضای کنوانسیون، ۳۰ مارس ۲۰۰۷ در نشانی زیر:

<http://www.un.org/news/briefings/docs/2007/070330> .

۲۱. رک. اظهار نظر لوئیس آربور کمیساریای عالی حقوق بشر در نشانی زیر:

<http://www.ohchr.org/English/issues/disability/docs/statmenthcec06.doc>.

۲۲. براساس آمار سازمان ملل متحد حدود ششصد و پنجاه میلیون معلول در جهان زندگی می‌کنند. برای اطلاع بیش‌تر نک.

<http://www.unstats.un.org/unsd/demographic/sconcerns/disability/disab2.asp>.

در حقیقت انعقاد کنوانسیون که با مشارکت وسیع و مستمر نهادهای دولتی و غیردولتی بین سازمان ملل و افراد کم توان سراسر جهان صورت گرفته است مبتنی بر اصل «هیچ چیز در مورد ما، بدون ما، (Nothing about us without us)» بوده است.^{۲۳}

ب- زمینه‌های تاریخی و حقوقی (کم توانان از نفی وجود تا کسب منزلت انسانی)

کم توانی و معلولیت از مفاهیمی هستند که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر مقطعی از تاریخ، روی کرد جامعه نسبت به آن‌ها متفاوت بوده است. گاه هم چون جوامع بدوی، افراد کم توان و معلول در بدو تولد نابود می شدند (نظیر جامعه‌ی اسپارت یا حتی در قرن بیستم و در آلمان نازی که به بهانه‌ی پاکسازی نژادی و در قالب عملیات «T4» به قتل عام صدها هزار معلول ذهنی و جسمی - حرکتی دست زد) تا از سربار شدن این افراد جلوگیری شود،^{۲۴} و گاه با دیدی ترحم آمیز به آنان نگریسته شده و معلولین و افراد کم توان به افرادی شایسته‌ی ترحم و صدقه بگیر بدل شده اند. ولی امروزه نه جامعه‌ی بشری و نه خود این افراد، هیچ کدام این دیدگاه‌ها را نمی پذیرند. افراد کم توان امروزه بیش تر از آن که به دنبال امتیازات ویژه باشند، خواهان ایفای نقش و کسب مسئولیت‌های برابر با سایر اعضای جامعه هستند و با سازمان‌دهی تشکلهای قدرتمند در پی احقاق حقوق فراموش شده‌ی خود می باشند.^{۲۵}

۲۳. رک. اظهار نظر وزیر امور معلولان نیوزیلند در نشانی زیر:

http://www.un.org/esa/socdev/enable/document/stat_conv/nzam.doc.

۲۴. زمانی، سید قاسم، «نگاهی به حمایت از اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا»، مجله‌ی پژوهشهای حقوقی، شماره‌ی ۱۳، ۱۳۷۷، ص. ۲۷۲.

۲۵. به نقل از: <http://www.idp.ir>

در میان اسناد تاریخی به دست آمده، مصریان از جمله نخستین مردمانی بوده‌اند که نه تنها به علت‌شناسی و ریشه‌یابی ناتوانی و درمان آن، بلکه به وضعیت رفاهی و اجتماعی کم‌توانان (معلولان) تمایل نشان داده‌اند.^{۲۶}

منابع تاریخی به دست آمده در یونان باستان نشان می‌دهد که کم‌توانان - به ویژه کودکان کم‌توان - به منظور اصلاح نژاد و داشتن ملت نیرومند و تن‌درست به دریا انداخته می‌شدند یا در کوهستان‌ها رها می‌شدند.

اما، در این میان، نگاه ادیان آسمانی به کم‌توانان همیشه مثبت بوده است، به گونه‌ای که این ادیان به برچیدن سنت کشتن فرزند کم‌توان توصیه می‌کردند. قرن بیستم را می‌توان قرن پیشرفت همراه با شتاب در زمینه‌ی حمایت از ناتوانان دانست. پیشرفت‌های دانش پزشکی در قرن بیستم و حوادث ناشی از جنگ جهانی اول، ناتوانان را به کانون توجه مبدل ساخت. نمودهایی از این توجه را می‌توان در اسناد بین‌المللی زیر یافت.

به ترتیب توالی تاریخی، نخست باید از منشور جهانی حقوق شامل اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸^{۲۷}، میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی ۱۹۶۶^{۲۸}، و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶^{۲۹} یاد کرد؛ هیچ کدام از این سه سند از توان خواهان حقوق در زمره‌ی افراد مورد حمایت یاد نکرده‌اند. تنها در ماده‌ی ۲۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر از محترم شمردن حق یک زندگی شرافتمند و تامین اجتماعی برای هر شخص - از جمله اشخاص بیمار و دارای ناتوانی عضوی - یاد شده است.^{۳۰}

۲۶. رایجیان اصلی، مهرداد، «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌های ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴، ص. ۳۷.

27. Universal Declaration on Human Rights (1948).

28. International covenant on Civil and Political Rights (1966).

29. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966).

۳۰. سماواتی پیروز، امیر، «ناتوانان بزه‌دیده؛ از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌های ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۲.

در اعلامیه‌ی حقوق کودک به سال ۱۹۵۹ نیز به مراقبت‌های لازم و آموزش‌های خاص و متناسب با وضع ویژه‌ی کودکانی که از نظر روحی، جسمی و اجتماعی دچار نقصان هستند، اشاره شده است (اصل پنجم).

هم‌چنین می‌توان از تصویب «اعلامیه‌ی رشد و پیشرفت ملل» در سال ۱۹۶۹، «اعلامیه‌ی حقوق عقب‌ماندگان ذهنی» در سال ۱۹۷۱ و «اعلامیه‌ی حقوق ناتوانان»^{۳۱} به عنوان یک الزام فراگیر در چارچوب مشترک بین ملت‌ها از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد یاد کرد.

کروئولوژی اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که ماده‌ی ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹- سازمان ملل متحد) توجه ویژه‌ای به کودکان نیازمند حمایت فکری و جسمی مبذول داشته است، و تکالیفی را برای دولت‌ها تعیین کرده تا کودکان کم‌توان در رابطه با «نیازهای خاص» خود «مراقبت‌های ویژه» دریافت نمایند، به نحوی که به رشد فردی رسیده و از یک زندگی آبرومند برخوردار گردند.^{۳۲} با وجود این، هنوز در ماده‌ی ۲۳ به مدل پزشکی معلولیت اولویت داده شده است.

تا پیش از تصویب کنوانسیون حقوق افراد کم‌توان در سال ۲۰۰۶، سازمان ملل به وضوح تلاش می‌کرد تا خلا موجود در زمینه‌ی حقوق اشخاص کم‌توان را به دو طریق برطرف نماید. ابتدا با تفسیر و اجرای اسناد موجود حقوق بشر مربوط به اشخاص کم‌توان و دوم با گسترش و توسعه‌ی یک سلسله سیاست‌ها و برنامه‌هایی که بر حقوق و نیازهای آنان متمرکز بود.^{۳۳}

۳۱. برای مطالعه‌ی بیش‌تر در مورد اسناد فوق رک. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.

۳۲. در ماده‌ی ۲ کنوانسیون حقوق کودک به ممنوعیت تبعیض به دلیل کم‌توانی اشاره شده است.
33. Kayess, *op.cit.*, p. 5.

به دنبال تلاش‌های بالا، سازمان ملل فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۳ را «دهه‌ی جهانی ناتوانان»، فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ را «دهه‌ی ناتوانان آسیا و اقیانوسیه» و سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ را «دهه‌ی ناتوانان آفریقا» نام‌گذاری کرد.^{۳۴} در سال ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد «برنامه‌ی اقدام جهانی مربوط به اشخاص کم‌توان (WPA)»^{۳۵} را تصویب کرد که یکی از اهداف اصلی آن برابرسازی فرصت‌ها برای آنان بود.^{۳۶}

تلاش‌های آغاز شده در بالا نشان می‌دهد که تغییر مهمی در درک مفهوم کم‌توانی صورت گرفته است، به طوری که مفهوم مدل پزشکی کم‌توانی، جای خود را به مفهوم حقوق و برابرسازی داده است. در سال ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد برنامه‌ی اقدام جهانی را از طریق یک کمیسیون فرعی پیش‌گیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها و با انتصاب یک گزارش‌گر ویژه برای تحقیق و مطالعه‌ی جامع پیرامون روابط بین حقوق بشر و ناتوانی دنبال کرد.

گزارش‌گر ویژه در گزارش سال ۱۹۹۳ خود^{۳۷}، روشن ساخت که کم‌توانی یک مسئله‌ی حقوق بشری است که ارگان‌های سازمان ملل متحد باید به آن توجه نمایند.

۳۴. رایجیان اصلی، «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی»، پیشین، ص. ۳۸؛ سماواتی پیروز، پیشین، ص. ۱۲۳.
35. World Programme of Action Concerning Disabled Persons (WAP).

۳۶. برنامه‌ی اقدام جهانی، «برابرسازی فرصت‌ها» را این گونه تعریف کرده است: «... جریانی که از طریق آن نظام کلی جامعه نظیر محیط مادی و فرهنگی، مسکن و حمل و نقل، خدمات اجتماعی و بهداشتی، فرصت‌های آموزشی و شغلی، حیات فرهنگی و اجتماعی از جمله امکانات ورزشی و بازتوان بخشی در دسترس همگان قرار گیرد». رک.

GA Res 37/52.3 December 1982, Alres/37/51, 37th session snpp. No 51, at para 12.

۳۷. رک. گزارش گزارش‌گر ویژه‌ی کمیسیون فرعی درخصوص پیش‌گیری از تبعیض و حمایت از اقلیت-ها، حقوق بشر و اشخاص کم‌توان، ۱۹۹۳ در نشانی زیر:

در سال ۱۹۹۱، مجمع عمومی، اصول مربوط به حمایت از معلولان ذهنی و توسعه‌ی مراقبت‌های پزشکی را مورد تصویب قرار داد (اصول). روی کرد سازمان ملل در تعیین چارچوب اصول فوق یک روی کرد پزشکی بود.

در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی تلاش‌های زیادی برای تشویق جامعه‌ی بین‌المللی به توسعه‌ی کنوانسیون حقوق بشر در رابطه با اشخاص کم‌توان به عمل آمد که نافرجام ماندند.^{۳۸} علل عدم کام‌یابی ابتکارات جهانی در این زمینه متعدد است از جمله این که اظهار می‌شد، حقوق افراد کم‌توان به طور مساوی با سایر افراد در معاهدات حقوق بشری تضمین شده است؛ ناتوانی در متقاعد کردن جامعه‌ی بین‌المللی به این که معلولان اشکال خاص و شدیدی از نقض حقوق بشر را تجربه کرده‌اند؛ و تقلیل سطح حمایت از حقوق مدنی مبتنی بر روی کردهای حقوق بشری (ازسوی کسانی که این ابتکارات را تدوین کرده بودند) به خصوص در جوامع در حال توسعه.

سرانجام، مجمع عمومی در سال ۱۹۹۳، مجموعه قواعد استاندارد به منظور برابر سازی فرصت‌ها برای کم‌توانان (مجموعه قواعد)^{۳۹} را پذیرفت. مجموعه قواعد استاندارد از برنامه‌ی اقدام جهانی برای اشخاص کم‌توان (WPA) الهام گرفته بود. با این حال، رهیافت مجموعه قواعد استاندارد هنوز بر درمان پزشکی و پیش‌گیری به عنوان پیش شرط‌های

38. GA Res. 48/96, 20 December 1993, A/RES/48/96, Supp No. 49, Annex at 202–11, available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/48/a48r096.htm> [last accessed 29 January 2009]. See: Degener, «Disabled Persons and Human Rights: The Legal Framework»; and Lindqvist, «Standard Rules in the Disability Field—A New United Nations Instrument», in: Degener and Koster–Dreese (eds), *Human Rights and Disabled Persons: Essays and Relevant Human Rights Instruments*, Dordrecht, Boston, London, Martinus Nijhoff, 1995, pp. 40 and 63 respectively.

39. Standard Rules in the Disability Field.

مشارکت برابر متمرکز بود.^{۴۰} فعالان در زمینه‌ی مسایل معلولان، این روی کرد را به علت عدم توجه به ناتوانی به عنوان یک تفاوت انسانی و عدم رعایت کرامت ذاتی اشخاص کم توان به شدت مورد انتقاد قرار دادند.^{۴۱}

با این حال، مجموعه قواعد استاندارد مهم ترین و با ارزش ترین ابزار برای حمایت از حقوق افراد کم توان بود که سه اصل کلی را برای رعایت حقوق آنان در نظر می گرفت؛ برابری فرصت ها، توانایی مشارکت و شامل سازی.

اسناد بین المللی فوق، با وجود نقاط قوت و ضعف شان، اسنادی غیر الزام آور (No Binding) بودند و در نتیجه تاثیر آنها اندک بود. همین امر، فعالان مسایل معلولان به ویژه نهادهای غیردولتی را واداشت تلاش نمایند تا یک سند بین المللی الزام آور (Binding) به منظور ایجاد هنجارهایی در جهت گسترش و حمایت از حقوق بشر افراد کم توان به تصویب برسد.^{۴۲} طرف داران تدوین یک معاهده‌ی الزام آور تاکید کردند که معاهده‌ی مربوط به حقوق بشر اشخاص کم توان یک ماهیت خاص و محتوای ویژه‌ای به حقوق بشر می دهد زیرا آنها نسبت به کم توانان اجرا می شوند و به نوبه‌ی خود، یک چارچوب بنیادین برای اجرای حقوق بشر در نظام حقوقی و سیاسی داخلی تدارک می بینند.^{۴۳}

به طور کلی، کم توانی یک وجه مغفول (Invisible Element) نظام حقوق بشر بین المللی بوده است. پوسترهای تبلیغاتی که از سوی سازمان های غیردولتی در طول مذاکرات

40. Kayess, *op.cit.*, p. 6.

41. *Ibid.*

۴۲. بسیاری از بیانیه ها که خطاب به کمیته‌ی اختصاصی و سازمان های فعال در امور اشخاص کم توان صادر می شد بر لزوم تصویب اسناد الزام آور تاکید می کردند. رک.

43. Degener and Quinn, «Human Rights and Disability: The Current Use and Future Potential of United Nations Human Rights Instruments in the Context of Disability», 2002, HR/PUB/02, at 1.

کمیته‌ی مقدماتی برای تهیه و تدوین کنوانسیون حقوق کم‌توانان توزیع شد تلاش داشتند تا هیئت‌های نمایندگی کشورها را قانع کنند که حقوق کم‌توانان یک قطعه‌ی گمشده‌ی (Missing Piece) نظام حقوق بشر بوده است. اشخاص کم‌توان در هیچ سند الزام‌آور حقوق بشر بین‌المللی به صراحت مورد شناسایی قرار نگرفته بودند.

بر پایه‌ی همین تلاش‌ها، نهادهای غیردولتی فعال در جهان، ابتکار تنظیم «پیش‌نویس کنوانسیون حقوق کم‌توانان» را به دست گرفتند.

سرانجام، پیشنهاد دولت مکزیک مبنی بر تهیه و تدوین کنوانسیون مربوط به حقوق انسانی افراد کم‌توان در پنجاه و ششمین جلسه‌ی مجمع عمومی ملل متحد در سال ۲۰۰۱ در قالب قطع‌نامه‌ای^{۴۴} به تصویب رسید. در آن قطع‌نامه کمیته‌ای موقتی برای انجام مذاکرات تشکیل شد؛ این کمیته با تشکیل یک گروه کاری متن کنوانسیون را تهیه کرد. سرانجام در اجلاس هشتم مجمع عمومی کنوانسیون به تصویب رسید.

در طول دهه‌های گذشته سه دیدگاه در خصوص رفتار با معلولان وجود داشته است: نخستین دیدگاه، دیدگاه پزشکی بوده که از نظر تاریخی بر سایر دیدگاه‌ها مقدم است و بیش‌تر به رفع نیازهای فیزیولوژیکی و توانمندسازی و توان‌بخشی اشخاص کم‌توان توجه داشته است. دیدگاه دیگر، دیدگاه رفاه اجتماعی است که بیش‌تر به وضعیت رفاهی، اقتصادی و اجتماعی توجه دارد. روی کرد اجتماعی با گذر از نیازهای پزشکی و درمانی بر دسترسی به خدمات اجتماعی تاکید دارد. قانون جامع حمایت از معلولان ایران مصوب ۱۳۸۳ نیز متأثر از همین دیدگاه بوده است. دیدگاه سوم، روی کرد حقوق بشری به نیازهای اشخاص کم‌توان است که در قالب کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق اشخاص کم‌توان در سال ۲۰۰۶ متجلی شده است.

44.GA Res.56/168,19 december 2001, A/56/583/Add.2.

کنوانسیون در نوع خود پیشرفت مهمی در زمینه‌ی حقوق اشخاص کم‌توان می‌باشد؛ چه از حیث ارتقای حقوق موجود و چه از حیث خلق نسل جدید حقوق بشر برای آنان. مهم‌تر از همه آن که کنوانسیون توانسته است روی کرد پزشکی - درمانی و روی کرد رفاهی - اجتماعی را به روی کرد حقوق بشری کم‌توانان ارتقا دهد.

هسته‌ی اصلی نظریه‌های معاصر در زمینه‌ی کم‌توانی و حقوق کم‌توانان، مفهوم شهروندی (Citizen) است. این مفهوم اشاره دارد به این که شهروندی و کرامت ذاتی و برابری به عنوان مبنایی برای غلبه بر انسانیت‌زدایی و محرومیت می‌باشد. برای اشخاص کم-توان، نفی موثر شهروندی خطای چند بعدی مستمری است که می‌تواند شامل نفی صریح حقوق دموکراتیک براساس معلولیت باشد و همچنین نفی فرصت‌ها یا وسایل در دسترس برای مشارکت در شکل‌گیری سیاست عمومی و تصمیم‌گیری (Decision-making) که زندگی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد را در پی داشته باشد. محرومیت موثر اشخاص کم‌توان از حضور در روند شکل‌گیری سیاست عمومی و تصمیم‌سازی یک اثر توزیعی ژرف دارد، زیرا آن‌ها را از فرصت بحث در مورد نیازها و حقوق اشخاص در رقابت برای منافع اجتماعی و برای اصلاح قوانین ظالمانه باز می‌دارد.

مبحث دوم- تشریح مقررات کنوانسیون و پروتکل اختیاری آن

الف- مفاهیم و اهداف

کنوانسیون مربوط به حقوق کم‌توانان^{۴۵}، شامل یک مقدمه و پنجاه ماده و پروتکل اختیاری آن شامل هیجده ماده می‌باشد. هر چند مواد کنوانسیون بسیار مطول می‌باشند ولی،

۴۵. دولت ایران به موجب قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون حمایت از حقوق اشخاص کم‌توان مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۳ به این کنوانسیون ملحق گردیده است.

روی هم رفته، توصیف فشرده‌ای از حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد تا این تاریخ است. کنوانسیون هم‌چنین اولین معاهده‌ی حقوق بشری سازمان ملل متحد است که برای سهولت استفاده، هر ماده‌ی آن دارای عنوان می‌باشد.^{۴۶}

مقدمه‌ی کنوانسیون نیز مفصل و شامل بیست و پنج بند (از «الف» تا «ک») می‌باشد. بر عکس دیگر بخش‌های کنوانسیون، مقدمه‌ی آن هیچ گونه تعهدات حقوقی الزام‌آوری را دربر ندارد. با این همه، مقدمه شامل مفاهیم بسیاری است که می‌توانند نقش مهمی در تفسیر مقررات کنوانسیون ایفا نمایند.^{۴۷}

تعریف «کم‌توانی» (Disability) و «اشخاص کم‌توان» (Persons with Disabilities) از جمله مسایل مورد اختلافی بودند که در کمیته‌ی ویژه مورد بحث و بررسی قرار گرفتند^{۴۸} و سرانجام نیز حل نگردیدند.^{۴۹} هیئت‌های نمایندگی نیز در خصوص این مفاهیم اختلاف

۴۶. کمیته‌ی ویژه در شور اول از نشست هشتم تصمیم گرفت برای هر ماده عنوانی انتخاب کند، اما مواد پروتکل اختیاری عنوان ندارند.

۴۷. درباره‌ی استفاده از مقدمه به منظور تفسیر مقررات معاهدات، موضوع ماده‌ی ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات رک. فلسفی، هدایت الله، **حقوق بین‌الملل معاهدات**، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹، ص. ۷۳۹.

۴۸. سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۰ سه مفهوم «نقص»، «ناتوانی» و «معلولیت» را تعریف و از هم تفکیک کرده است. برای ملاحظه‌ی تفاوت رک. رایجیان اصلی، «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی»، پیشین، ص. ۳۹.

۴۹. مسئله‌ی تعریف مفاهیم در نشست‌های دوم، چهارم، هفتم و هشتم کمیته‌ی ویژه و در گروه‌های کاری مورد بحث قرار گرفتند. در ایران نیز تبصره‌ی ماده‌ی ۱ قانون حمایت جامع از حقوق اشخاص معلول مصوب ۱۳۸۳ فرد معلول را به شرح زیر تعریف کرده است: «معلول در این قانون به کسی گفته می‌شود که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی، بر اثر ضایعه‌ی جسمی، ذهنی، روانی یا توام، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال فردی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود».

نظر داشتند؛ دلیل اصلی اختلاف نظر تاثیر گسترده‌ی این مفاهیم بود. شمار زیادی از نهادهای نادولتی و شمار اندکی از نمایندگان دولت‌ها می‌خواستند اطمینان حاصل کنند که کنوانسیون حاضر نسبت به تمامی افراد کم‌توان اجرا می‌شود. شمار زیادی از دولت‌ها اظهار نگرانی می‌کردند که کنوانسیون «سدها را باز خواهد کرد»^{۵۰} و آن‌ها را مجبور می‌کند از طریق قوانین تکمیلی داخلی، این حقوق را برای دسته‌ی زیادی از گروه‌های کم‌توان که بر اساس تعاریف سنتی، در جوامع خود به عنوان افراد کم‌توان شناخته نمی‌شوند به رسمیت بشناسند (نظیر اشخاص کم‌توان از نظر روانی - اجتماعی و کسانی که ارگانیزم استخوانی باعث بیماری آن‌ها شده است)؛ برای مثال افرادی که به بیماری ایدز دچار هستند.

البته، تعریف کم‌توانی که در کنوانسیون آمده نه تنها مورد اعتراض هیئت‌های نمایندگی دولت‌ها بوده، بلکه اجلاس بین‌المللی معلولان نیز به گنجاندن این تعریف معترض بود، به این دلیل که هر تعریفی که نهایتاً از مدل پزشکی مشتق شود از نظر خارجی تحمیلی و منجر به سلب اختیار می‌گردد.

اجلاس بین‌المللی معلولان هم‌چنین استدلال کرد که مفهوم «کم‌توانی» به عنوان یک گروه اجتماعی یک مفهوم در حال تحول است که در میان جوامع متفاوت است و بنابراین آوردن تعریف کم‌توانی در کنوانسیون می‌تواند خطر عقب ماندن [کنوانسیون] از زمان^{۵۱} را به همراه داشته باشد و دیدگاه نظام‌های غربی در خصوص کم‌توانی را به نظام‌های فرهنگی غیر غربی تحمیل نماید.

بند «ث» از مقدمه در اولین فراز خود، دیدگاه اجلاس بین‌المللی معلولان در خصوص کم‌توانی به عنوان یک مفهوم رو به رشد (Evolving Concept)^{۵۲} را پذیرفته است.

50. Open the Floodgates.

51. Time -locking .

۵۲. برخی از آن به عنوان یک مفهوم استنتاجی یاد می‌کنند. رک. نشانی زیر: <http://www.idp.ir>

کنوانسیون، هم چنین نظر اجلاس بین المللی معلولان را در تعریف اشخاص کم توان به شرح زیر تایید نموده است: «افراد کم توان، آن دسته افرادی هستند که دارای اختلالات دیرپای جسمی، ذهنی، فکری یا حسی می باشند و این اختلالات در تعامل با موانع گوناگون، از مشارکت کامل و ثمربخش آنان در جامعه، به میزان پایایی با سایرین، جلوگیری می کند...»^{۵۳}. انواع اختلالات نیز محصور نشده و به صورت تمثیلی است. بند نخست مادهی ۱ تصریح می کند هدف کنوانسیون عبارت است از: ارتقا، حمایت و تضمین بهره مندی کامل و برابر تمامی افراد کم توان از کلیه حقوق انسانی و آزادی های بنیادین، و ترویج احترام به کرامت ذاتی آنها. با وجود این، مادهی ۱ اجرای کنوانسیون را به افراد دارای معلولیت دیرپا محدود نمی کند زیرا این امر، افرادی که دارای کم توانی های کوتاه مدت ناشی از بیماری و صدمات مغزی می باشند و هم چنین افراد دارای شرایط نامنظم را محروم می سازد (برای مثال بی نظمی های خلقی، یا آسم).

افزون بر آن، اشاره به تمامی اشخاص کم توان در فراز نخست مادهی ۱، بی گمان یک نوع لفاظی تلقی و نهایتا باعث دور باطل می شود. صرف نظر از دسته بندی اشخاص کم توان که ذکر شده است، روشن نیست چه گروه هایی از افراد کم توان در زمره ی این دسته ها قرار می گیرند. بی گمان، معاهدات سرانجام رویه ی قضایی را در این زمینه توسعه می بخشند؛ لکن، در حال حاضر، ایجاد محدودیت در دسته بندی اشخاصی که از کنوانسیون بهره مند می شوند و از نظر داخلی مشخص خواهد شد احتمالا برخی گروه های کم توان را از حمایت حقوق بشر محروم می سازد.

53. «Persons with disabilities include those who have long-term physical, mental, intellectual or sensory impairments which in interaction with various barriers may hinder their full and effective participation in society on an equal basis with others...».

راه‌حلی که برای این مشکل پیشنهاد می‌شود این است که دسته‌بندی معلولان مورد حمایت کنوانسیون را با استناد به دسته‌بندی بین‌المللی کارایی، کم‌توانی و سلامت (ICF)^{۵۴} تفسیر کنیم.^{۵۵} با این حال، به دلایلی که توضیح داده خواهد شد، رابطه‌ی بین کنوانسیون و دسته‌بندی بین‌المللی کارایی مبهم است و هر گونه تلاشی برای تفسیر کنوانسیون با استناد به «ICF» سرانجام همراه با اختلاف نظر فراوان خواهد بود.

صرف‌نظر از مسئله‌ی تعریف، فراز دوم بند «ث» مقدمه روشن می‌نماید که کم‌توانی بر اساس قواعد الگوی اجتماعی فهمیده می‌شود. «کم‌توانی» یک مفهوم استنتاجی است که از تعامل میان افراد دارای اختلال با موانع محیطی ناشی می‌شود و از مشارکت کامل و ثمربخش آنان در جامعه به میزان برابر با سایرین جلوگیری می‌کند.

این مفهوم سازی با تعریف اشخاص کم‌توان در بند دوم ماده‌ی ۱ تایید شده است؛ هم‌چنین به طور تلویحی از سوی مواد مربوط به حقوق بشر ماهوی در خصوص رفع محدودیت‌ها و ایجاد فرصت‌ها که مشارکت و دخالت افراد کم‌توان را در جامعه در پی خواهد داشت، مورد تاکید می‌باشد. در واقع این یکی از مهم‌ترین گسست‌هایی است که بین کنوانسیون و کارهای قبلی سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حقوق بشر و کم‌توانان وجود دارد.

بند «ج» مقدمه به ارتباط بین کنوانسیون با تلاش‌های پیشین سازمان ملل متحد در خصوص حقوق بشر افراد کم‌توان و فعالیت‌هایی که در این زمینه برنامه‌ریزی شده، تاکید می‌کند. برنامه‌ی اقدام جهانی^{۵۶} در خصوص افراد کم‌توان و مجموعه قواعد استاندارد برابرسازی فرصت‌ها برای افراد کم‌توان،^{۵۷} صریحا به عنوان زمینه‌های فکری کنوانسیون قلمداد شده‌اند، لکن اعلامیه‌ی ۱۹۷۱، اعلامیه‌ی ۱۹۷۵ و اصول مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

۵۴. رک. قطع‌نامه‌ی مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی به شماره‌ی ۵۴/۲۱، مورخ ۲۲ می ۲۰۰۱.

۵۵. Kayess, *op.cit.*, p.9.

۵۶. World Programme of Action.

۵۷. Standard Rules on the Equalisation of opportunities of Persons with Disabilities.

مهم‌تر آن که بند «ج» مقدمه، با وجود اهمیت فعلی دسته‌بندی بین‌المللی کارایی، کم‌توانی و سلامت آن را به عنوان یک ابزار تخمینی، تحلیلی و برنامه‌ریزی از جمله در میان ملل متحد و دیگر نمایندگان چندجانبه مورد توجه قرار نداده است. علت عدم اشاره به دسته‌بندی به خاطر اعتراض اجلاس جهانی معلولان به روی کرد پزشکی به کم‌توانان در این دسته‌بندی است. به نظر کنفرانس جهانی معلولان، دسته‌بندی مزبور بخشی از مسئله‌ی حقوق بشر است که معلولان با آن دست به گریبان هستند و کنوانسیون به دنبال این است که از طریق توضیح الگوی اجتماعی معلولیت بر آن فایق آید. بنابراین، هر گونه تلاش برای استفاده از دسته‌بندی به منظور تفسیر محدودیت‌های افراد مورد حمایت کنوانسیون، دست‌کم در جنبش جامعه‌ی مدنی معلولان، احتمالاً به طور چشم‌گیری مورد مناقشه خواهد بود. رابطه‌ی بین دسته‌بندی و کنوانسیون در آینده، و همین‌طور آینده‌ی خود دسته‌بندی، در این مرحله مسایل مهمی هستند که بدون پاسخ مانده‌اند.

مواد ۱ و ۲ کنوانسیون جنبه‌ی توصیفی و تفسیری دارند. ماده‌ی ۱ به تبیین هدف کلی کنوانسیون پرداخته که عبارت است از ارتقا، حمایت و تضمین بهره‌مندی کامل و برابر تمامی افراد کم‌توان از کلیه‌ی حقوق بشری و آزادی‌های بنیادین و ترویج احترام به کرامت ذاتی آن‌ها. ماده‌ی ۲ پنج واژه‌ی کلیدی را که در کنوانسیون بارها مورد استفاده قرار گرفته‌اند و دارای بار مفهومی خاصی می‌باشند، تعریف کرده است. از جمله ارتباطات (Communication)^{۵۸}، زبان (Language)^{۵۹}، تبعیض بر مبنای ناتوانی (Discrimination on)^{۶۰}

۵۸. ارتباطات شامل زبان‌ها، نمایش متن، بریل، ارتباطات ملموس، درشت‌نمایی، چندرسانه‌ای قابل دسترسی و همچنین ارتباطات مکتوب، صوتی، زبان صریح، خواننده‌ی انسانی و شیوه‌ها، ابزارها و قالب‌های ارتباطات غیرکلامی و جای‌گزین، از جمله فناوری اطلاعات و ارتباطات قابل دسترسی می‌باشد.

۵۹. «زبان» شامل زبان‌های گفتاری و اشاره و سایر اشکال زبان‌های غیرگفتاری می‌باشد.

۶۰. تبعیض بر مبنای ناتوانی به معنای هرگونه تمایز، طرد یا محدودیت بر اساس ناتوانی است که هدف یا تاثیر آن ایجاد اختلال یا از میان بردن حق شناسایی، بهره‌مندی یا احقاق کلیه‌ی حقوق بشری و آزادی‌های بنیادین، به میزان برابر با سایرین، در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سایر حوزه‌ها می‌باشد. این مورد شامل کلیه‌ی اشکال تبعیض از جمله نفی مناسب سازی معقول می‌شود.

فرایگیر (Universal Design)^{۶۲}. (the Ground of Disability)، مناسب سازی معقول (Reasonable Accommodation)^{۶۱} و طراحی

کنونسیون روی کردی انسانی دارد که برآمده از ذهنیتی شفاف و واقع گرایانه نسبت به پدیده‌ی کم توانی است. شخص کم توان در این کنوانسیون، همانند سایر اشخاص خواهان فرصت‌های برابر اجتماعی و احقاق حقوق خود می‌باشد. کنوانسیون به دنبال این است که به صرف کم توانی در حق کسی تبعیض روا داشته نشده باشد (بند «ح» مقدمه)؛ به حریم خصوصی او تعدی نگردد (بند یک ماده‌ی ۲۳)؛ حق مربوط به شئونات خانوادگی وی حفظ شود (ماده‌ی ۲۳)؛ بدون رضایت تحت معالجات پزشکی و علمی قرار نگیرد (بند یک ماده‌ی ۱۵)؛ در زمان درگیری‌های نظامی و اشغال‌گری توسط نیروهای خارجی (بند «ع» مقدمه) یا هنگام فوریت‌ها و حوادث طبیعی (ماده‌ی ۱۱) تنها نماند؛ آزادی و امنیت فردی وی تامین گردد (ماده‌ی ۱۴)؛ به عدالت دسترسی داشته باشد (ماده‌ی ۱۳)؛ تحت شکنجه و یا رفتارها یا مجازت‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده قرار نگیرد؛ به استثمار از وی بهره‌کشی نگردد (ماده‌ی ۱۶)؛ حق ابراز عقیده و دسترسی به اطلاعات برای وی محفوظ باشد؛ حق مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی برای وی محفوظ بماند (ماده ۲۹)؛ و در یک کلام حق زندگی (ماده‌ی ۱۰) و حق موجودیت فردی (ماده‌ی ۱۷) کم توانان انکار نگردد. هم‌چنین در کنوانسیون مزبور دو دسته حقوق مدنی و سیاسی و

۶۱. مناسب سازی معقول به معنای تعدیل‌ها و سازگار کردن ضروری و لازمی است که بدون تحمیل فشارهای نامتجانس یا غیرضروری، هر گاه در مورد خاصی ضرورت یابند، بهره‌مندی و یا تحقق کلیه حقوق بشری و آزادی‌های بنیادین را برای افراد کم توان، به میزان برابر با سایرین، تضمین می‌نمایند.

۶۲. طراحی فراگیر به معنای طراحی محصولات، محیط، برنامه‌ها و خدمات به نحوی است که تا حد امکان بدون نیاز به تعدیل یا طراحی ویژه برای همه‌ی افراد قابل استفاده باشد. «طراحی فراگیر» نباید موجب ممانعت از کاربرد وسایل کمکی برای گروه‌های خاص افراد کم توان در موارد ضروری شود.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درهم آمیخته شده‌اند. از جمله مصادیق حقوق مدنی و سیاسی عبارت‌اند از حق حیات، حق دسترسی به عدالت، حق آزادی و امنیت فردی، و حق منع شکنجه، و مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر آموزش، بهداشت، شغل، امنیت اجتماعی، توانمندسازی و توان بخشی و ... می‌باشد.

البته، قبلاً برای حمایت از اشخاص کم‌توان تدابیر مهمی در اسناد بین‌المللی اندیشیده شده است؛ برای مثال، کم‌توانی به عنوان یک معیار در مباحث بزه‌دیده‌شناسی وارد شده است، به طوری که معیار آسیب‌شناسانه‌ی کم‌توانی، در میان مباحث بزه‌دیده‌شناسی برای خود جای پای باز کرده و کم‌توانان بزه‌دیده، بعضاً مورد حمایت قوانین کیفری و مدنی نیز قرار گرفته‌اند.^{۶۳} آخرین گروه کم‌توانان نیازمند حمایت قانونی، سالمندان می‌باشند که از حمایت‌های حقوقی و قانونی خاص در اسناد بین‌المللی برخوردارند.

کنوانسیون دربردارنده‌ی دو نوع تعهد عام و خاص می‌باشد که برای دولت‌ها تعیین شده است. مواد ۳ تا ۹ کنوانسیون ناظر بر تعهدات عام و مواد ۱۰ تا ۳۰ ناظر بر تعهدات خاص دولت‌ها می‌باشند. مواد ۳۱ تا ۴۰ کنوانسیون نیز به ترتیبات اجرا و نظارت بر کنوانسیون چه در سطح ملی و چه بین‌المللی مربوط می‌باشد.

از دیگر مسایل مورد اختلاف هنگام مذاکرات مربوط به کنوانسیون، نحوه‌ی همکاری بین‌المللی در اجرای آن بوده است. این منازعه تا واپسین دم مذاکرات نیز ادامه داشت. علت اختلاف هم این بود که کشورهای توسعه یافته، از جمله اتحادیه‌ی اروپا نگران بودند که مبدا دیگر کشورها، اجرای کنوانسیون را به دریافت کمک‌های بین‌المللی منوط نمایند.^{۶۴} نگرانی دیگر آن بود که کشورها اجرای این کنوانسیون را در داخل سرزمین خود منوط به کمک‌های بین‌المللی نمایند. ماده‌ی ۳۲ کنوانسیون بر مسئولیت ملی برای عینیت

۶۳. رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، ص. ۳۶.

64. Kayess, *op.cit.*

بخشیدن به اهداف و مقاصد کنوانسیون از طریق اهمیت دادن به حمایت بین‌المللی از تلاش‌های ملی تاکید می‌ورزد.

ب- نیازهای اعضای خانواده

جز در موارد استثنایی،^{۶۵} کنوانسیون هیچ اشاره‌ای به اعضای خانواده و سایر بستگان اشخاص کم‌توان نمی‌کند، و حتی بیش از آن چه به معلولان اعطا کرده است، به آنان نمی‌دهد. حتی هنگامی که کنوانسیون به خانواده اشاره می‌کند، تلویحا برای اشخاص کم-توان یک نقش موثر، نه وابسته^{۶۶} قایل است. هم‌چنین کنوانسیون تکالیفی را بر دولت‌ها برای کمک به خانواده‌ها در تلاش به منظور عینیت بخشیدن به حقوق بشر اشخاص کم-توان بار می‌نماید.

مسئله‌ی شناسایی نیازها و حقوق اعضای خانواده‌ی افراد کم‌توان و نحوه‌ی تبیین آن‌ها از مسایل مهمی بود که با جدیت در کمیته‌ی ویژه مورد بحث قرار گرفت. نهایتا، این مسئله پاسخ مثبتی دریافت نکرد. دلیل آن هم این بود که در اکثر جوامع نیازها و حقوق خانواده‌ی افراد کم‌توان، امتیاز خاص، بیش از آن چه خود کم‌توانان دارند محسوب نمی‌شود. علاوه بر این، با وجود اهمیت زیاد کمک خانواده به منظور عینیت بخشیدن به کرامت ذاتی اشخاص کم‌توان، گاهی اوقات خود اعضای خانواده هستند که علی‌الاصول به خاطر نقض حقوق انسانی آنان مسئول شناخته می‌شوند یا برای نقض حقوق انسانی آنان

۶۵. بند «ق» مقدمه؛ ماده‌ی ۱۶ (درخصوص رهایی از بهره‌کشی، خشونت و سوءاستفاده)؛ ماده‌ی ۲۳(۴) درخصوص احترام به خانه و خانواده؛ ماده‌ی ۲۸(۱)(۲)(ج) درخصوص کمک به خانواده‌ی نیازمند اشخاص کم‌توان).

۶۶. برای مثال ماده‌ی ۲۳ درخصوص احترام به خانه و خانواده، درمورد اشخاص کم‌توان به آنان یک نقش فعال اعطا می‌کند تا آزادانه در مورد خانواده، تعداد و فاصله‌گذاری بین فرزندان تصمیم بگیرند.

با یکدیگر تبانی می‌نمایند.^{۶۷} کنوانسیون، حقوق اشخاص کم‌توان را بر سایر اعضای خانواده‌ی آنان اولویت می‌بخشد و این روی کرد فکری که معلولان در تشریک مساعی خانواده افرادی غیرفعال و «سربار» (Burdens) خانواده هستند را مورد ایراد قرار می‌دهد.^{۶۸} هماهنگ با اسناد پیشین بین‌المللی، کنوانسیون خانواده را یک واحد طبیعی و بنیادین در جامعه می‌داند که تحت حمایت دولت و جامعه قرار دارد. همین طور، کنوانسیون سعی می‌کند این اصل را به طریقی اجرا کند که هم اشخاص کم‌توان و هم اعضای خانواده‌ی آنان از سوی دولت حمایت و کمک دریافت نمایند. کنوانسیون به وضوح، به اشخاص کم‌توان یک نقش فعال و موثر در زندگی خانوادگی اعطا می‌نماید. کنوانسیون هم‌چنین بیان می‌کند که هدف از حمایت و کمکی که برای اعضای خانواده در کنوانسیون فراهم شده است، قادرسازی خانواده‌ها به منظور تشریک مساعی در بهره‌مندی کامل اشخاص کم‌توان از حقوق‌شان می‌باشد. چنین کمکی در ازای جبران «بار مسئولیت» مراقبت از کم‌توانان به آنان اعطا نمی‌شود.

ج- تدارک نسل جدید حقوق بشر

پرسش اساسی این است که آیا کنوانسیون به دنبال ایجاد حقوق بشر جدید بوده است یا آن که تنها حقوق بشر موجود را تقویت و اعلام داشته است. به عبارت دیگر، آیا کنوانسیون جنبه‌ی تاسیسی دارد یا اعلامی؟

۶۷. برای مثال با عقیم کردن زنان و دختران کم‌توان یا با سپردن آنان به مراکز نگهداری سالمندان.
68. Kayess, *op.cit*, p. 9.

یک تصور رسمی وجود دارد مبنی بر آن که کنوانسیون، حقوق بشر جدیدی را پیش‌بینی نکرده است و از این رو یک کنوانسیون تکمیلی محسوب می‌گردد.^{۶۹} در مقابل، عده‌ای براین باوراند که کنوانسیون از یک طرف، مفاهیم سنتی حقوق بین‌الملل را تغییر داده و از طرف دیگر، موارد جدیدی از مصادیق حقوق بشر را پیش‌بینی کرده است.^{۷۰} به نظر می‌رسد کنوانسیون دربردارنده‌ی برخی حقوق جمعی یا اجتماعی نظیر حق تحقیق و توسعه (ماده‌ی ۱۴) (ث) و (ج)،^{۷۱} بالابردن میزان آگاهی (ماده‌ی ۸)،^{۷۲} حمایت اجتماعی و کاهش فقر (ماده‌ی ۲۸) (ب)،^{۷۳} و همکاری بین‌المللی (ماده‌ی ۳۲)،^{۷۴} می‌باشد یا آن‌ها را تقویت کرده است که از آن‌ها تحت عنوان نسل سوم حقوق بشر^{۷۵} یاد می‌شود. همین طور، کنوانسیون شماری از اقدامات برابرسازی «فراگیر»^{۷۶} نظیر دست‌یابی به محیط زیست^{۷۷} را که حق طبیعی هر فرد است ذکر کرده است. این دسته از حقوق تحت عنوان

69. *Ibid.*, p. 7.

هم‌چنین نک. اظهارات رییس کمیته‌ی مذاکرات مربوط به تدوین کنوانسیون در نشانی زیر:

70. Mégret, Frédéric, «The Disabilities Convention: Human Rights of Persons with Disabilities or Disability Rihts?», Human Rights Quarterly, Vol. 30, No. 2, May 2008, pp. 494-516.

71. The Right to Research and Development.

72. Awareness Raising.

73. Social Protection and Poverty Reduction.

74. International Cooperation.

75. Third-Generation Rights.

76. Universal Equality Measures.

77. The Right to an Accessible Environment.

حقوق بشر نسل چهارم^{۷۸} شناخته می‌شوند. کنوانسیون، هم‌چنین دسته‌ی دیگری از حقوق نظیر حق شادی^{۷۹}، توریسم^{۸۰}، تفریح و سرگرمی^{۸۱} را بیان می‌کند که از آن‌ها تحت عنوان نسل پنجم حقوق بشر^{۸۲} یاد می‌شود.

افزون بر آن، کنوانسیون تفاسیر کاملاً جدیدی از حقوق بشر موجود در زمینه‌ی افراد کم‌توان ارایه می‌نماید، چنان‌که برخی حقوق مبنی بر عدم مداخله (حقوق منفی «Negative Rights») در گذشته را به عنوان تعهدات مثبت دولت‌ها در آورده است. برای نمونه، حق عدم مداخله در عقاید و افکار شخصی، به یک تعهد مثبت دولت تبدیل شده است؛ بدین نحو که باید اطلاعات عمومی را در اشکال قابل دسترسی فراهم نماید و زبان ایما و اشاره، خط بریل، و ارتباطات لامسه‌ای و جای‌گزین را به رسمیت بشناسد.^{۸۳} هم‌چنین عدم مداخله مبنی بر تضمین برابری در مقابل قانون، توسعه یافته و یا تقویت شده است و به عنوان یک تعهد مثبت برای دولت‌ها به منظور تضمین دستیابی به عدالت^{۸۴} در مورد افراد کم‌توان انعکاس یافته است. کنوانسیون هم‌چنین حقوق مدنی و سیاسی را با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نه تنها در ساختار کلی، بلکه در جزئیات به هم آمیخته است.^{۸۵}

78. Fourth –Generation Rights.

79.Right to Leisure.

80.Tourism.

81.Recreation.

82.Fifth – Generation Rights.

۸۳. ماده‌ی ۲۱ کنوانسیون مربوط به حقوق افراد کم‌توان ۲۰۰۶.

۸۴. همان کنوانسیون، ماده‌ی ۱۳ در مورد دستیابی به عدالت.

۸۵. ماده‌ی ۲(۴) کنوانسیون به شرح زیر مقرر می‌دارد: «در رابطه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، هر دولت عضو می‌بایست با حداکثر منابع موجود و در دسترس، اقداماتی را در صورت نیاز به شکل



نتیجه گیری

بی گمان، کنوانسیون در زندگی پرشمارترین اقلیت جهان نقش دگرگون کننده‌ای دارد. تصویب آن را باید گام مهم و قابل تحسینی در حقوق بین‌الملل دانست. با این حال، کنوانسیون نقطه‌ی عطف مهمی، نه تنها در زمینه‌ی حقوق افراد کم‌توان، بلکه هم‌چنین در توسعه‌ی مفاهیم حقوق بشر بین‌الملل و اقدامات اجرایی به طور کلی به شمار می‌رود. به هر حال، علاقه‌مندی فراوان به این کنوانسیون باید با واقع‌بینی و برنامه‌ریزی همراه باشد. برای تحقق و عینیت بخشیدن به مضامین بلند و متعالی کنوانسیون، نیازمند فرهنگ سازی و ایجاد تغییر در باورهای عمومی می‌باشیم. نباید از یاد برد که کنوانسیون مانند سایر اسناد بین‌المللی، حاصل مذاکرات نمایندگان کشورها است و بنابراین، انتظار نمی‌رود تا یک متن جامع و منسجم از حقوق افراد کم‌توان ارایه نماید. همین طور، کنوانسیون به شدت تحت تاثیر روی کرد اجتماعی ناتوانی بوده است که روی کردی غیرانتقادی و عوام‌گرایانه محسوب می‌گردد. گاهی، این مفهوم با دیدگاه ساختارگرایانه‌ی اجتماعی رادیکال برابری می‌کند که معتقد است معلولیت (Impairment) واقعیت پنهانی ندارد. درحالی که الگوی اجتماعی - کم‌توانی به عنوان ستم‌دیدگی اجتماعی - کنار گذاشته شده بود، یک تفاوت خیلی ظریفی وجود داشته و به موجب مطالعات انتقادی ناتوانی دهه‌ی اخیر، بر واقعیت‌های معلولیت به عنوان بعدی از تجربه‌ی هستی‌شناسانه و پدیدارگرایانه‌ی کم‌توانی، تاکید مجدد کرده است. افزون بر آن، باوجود آن که کنوانسیون سعی کرده است به نحو جامعی حقوق اشخاص کم‌توان را تبیین نماید، با این حال، در برخی زمینه‌ها، مواردی چون معالجات

همکاری‌های بین‌المللی به منظور شناسایی کامل این حقوق بدون تعصب درباره‌ی تعهدات کنوانسیون با توجه به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با هدف دستیابی سریع به این حقوق براساس قوانین بین‌المللی قابل اجرا اتخاذ نماید».

ضروری و ژنتیکی به ندرت در کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، کنوانسیون به خوبی از حقوق افراد کم‌توان حمایت می‌نماید و اجرای آن‌ها را تسهیل می‌گرداند، لکن، از جامعیت تام برخوردار نیست. هنوز برخی از مسایل مربوط به حقوق افراد کم‌توان وجود دارد که در حقوق بین‌الملل بشر ذکر نشده‌اند یا به قدر کافی توسعه نیافته‌اند. بنابراین، فعالان حقوق بشر نباید درخصوص کارکرد و قلمرو کنوانسیون مزبور و کمک احتمالی آن به تضمین حقوق این اشخاص در آینده مبالغه نمایند و یا بدین باشند.

منابع

۱. السان، مصطفی و همتی، مجتبی، «روند شکل گیری حقوق تامین اجتماعی در اسناد و موازین بین المللی»، فصل نامه ی رفاه اجتماعی، شماره ی ۱۹، ۱۳۸۴.
۲. توسلی نائینی، منوچهر و کاویار، میرحسین، «تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین المللی»، مجله ی اندیشه های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ی ۱۳، ۱۳۸۷.
۳. سماواتی پیروز، امیر، «ناتوانان بزه دیده؛ از بایسته های جرم شناختی تا قوانین و مقررات کیفری»، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره های ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴.
۴. راسخ، محمد، «تئوری حق و حقوق بشر بین الملل»، مجله ی تحقیقات حقوقی دانشگاه بهشتی، شماره ی ۴۱، ۱۳۸۴.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد، «بزه دیده شناسی حمایتی»، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
۶. رایجیان اصلی، مهرداد، «بزه دیدگان و نظام عدالت جنایی»، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره های ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴.
۷. زمانی، قاسم، «نگاهی به حمایت از اشخاص دارای معلولیت در جامعه اورپا»، مجله ی پژوهش های حقوقی، شماره ی ۱۳، ۱۳۸۷.
۸. فلسفی، هدایت الله، «حقوق بین الملل معاهدات»، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹.
۹. قاری سید فاطمی، محمد، «تحول گفتمانی: حق ها و آزادی های معلولان در آیین حقوق بشر معاصر»، مجله ی پژوهش های حقوقی، شماره - ی ۱۳، ۱۳۸۷.

۱۰. لیز، ژراروژینا فیلیزولا، **بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی**، ترجمه‌ی روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.

۱۱. یوسفیان، الهام، **«تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در پرتو مقررات کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت»**، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره‌ی ۱۳، ۱۳۸۷.

12. Mégret, Frédéric, «The Disabilities Convention: Human Rights of Persons with Disabilities or Disability Rights?», Human Rights Quarterly , Vol. 30, No. 2, May 2008, pp. 494-516.
13. Kayess, Rossemary and Phillip French, «Out of Darkness into Light? Introductioning the Convention on the Rights of Persons with Disabilities», Human Rights Law Review, Vol. 8, No. 1, 2008.
14. French, «What is Disability?» in, French (ed.), On Equal Terms - Working with Disabled People, Oxford, Butterworth-Heinemann, 1994.
15. Finkelstein and Stuart, «**Developing New Services**», in: Hales (ed.), Beyond Disability: Towards an Enabling Society, London, Sage Publications, 1996.
16. Degener and Quinn, «Human Rights and Disability: The Current Use and Future Potential of United Nations Human Rights Instruments in the Context of Disability», 2002, HR/PUB/02 .
17. Degener, «Disabled Persons and Human Rights: The Legal Framework», in: Degener and Koster – Dreese (eds), Human Rights and Disabled Persons: Essays and Relevant Human Rights Instruments, Dordrecht, Boston, London, Martinus Nijhoff, 1995.

18. Lindqvist, «Standard Rules in the Disability Field – A New United Nations Instrument» in: Degener and Koster – Dreese (eds), *Human Rights and Disabled Persons: Essays and Relevant Human Rights Instruments*, Dordrecht, Boston, Landan, Martinus Nijhof, 1995.
19. Shakespeare and Watson, «The Social Model of Disability: An Outdated Ideology?», (2002) 2 *Research in Social Science and Disability* 9, available at: [http://www.leeds.ac.uk/disability-studies/archiveuk/Shakespeare/social %20model %20of%20disability.pdf](http://www.leeds.ac.uk/disability-studies/archiveuk/Shakespeare/social%20model%20of%20disability.pdf) [last accessed 13 November 2007].
20. Corker and Shakespeare (eds), *Disability/Postmodernity: Embodying Disability Theory*, London, Continuum, 2002.